

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال نوزدهم، شماره هفتادوششم

زمستان ۱۳۹۷

جستاری تاریخی در اصالت مقبره حر بن یزید ریاحی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۲/۱۴

۱ ابراهیم صالحی حاجی آبادی

۲ سید ابراهیم سرپرست سادات

۳ رضا رضائی

مجموعه رویدادهای مربوط به واقعه عاشورا، نیازمند پژوهش و بازخوانی است. مقاله حاضر با محور قرار دادن پرسشی درباره اصالت تاریخی مقبره حر بن یزید ریاحی (ق. ۶۱ ه.ق) به بررسی دو دیدگاه در این زمینه می‌پردازد. برخی از محققان، مستند به برخی گزارش‌های تاریخی بر این باورند که طایفه حر پس از حادثه عاشورا، جسد مطهر او را در مکانی که به عنوان مقبره ایشان معروف است، به خاک سپردند و از نیش این قبر به وسیله شاه اسماعیل (۹۳۰ ه.ق) و سیره مردم برای زیارت حر به عنوان گواه درستی ادعای خود یاد می‌کنند. در مقابل این دیدگاه، برخی دیگر بر این باورند که جسد مطهر حر به همراه دیگر شهدا در قبری دسته جمعی و در روضه حسینی به خاک سپرده شده است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به این نتیجه رسیده است که به استناد منابع کهن

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقر العلوم علیه السلام نویسنده مسئول (salehi.ebrahim114@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی (sarparatsadat@gmail.com).

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه آیت الله بروجردی (ramazanireza19@yahoo.com).

و معتبر، حر بن یزید در روضه حسینی و همراه دیگر شهدا، به خاک سپرده شده است.

کلیدواژگان: کربلا، حر بن یزید، عاشورا، شهدای کربلا، شاه اسماعیل صفوی.

۱. مقدمه

نقد و بررسی برخی از باورها و گزارش‌های مشهور تاریخی برای به دست آوردن حقیقت، امری لازم است. هم‌چنین، پژوهش‌های تاریخی برای روشن شدن حقایق و اصلاح برخی از تحریف‌های تاریخی که به وسیله عوام، افراد ناآگاه و یا معاندان رخ داده است، بسیار ضروری هستند. با این شیوه می‌توان به دفاع عقلانی- تاریخی از رخداد‌های تاریخی مذهبی-سیاسی و حتی گزاره‌های موجود در شریعت و مذهب پرداخت. برآیند چنین نگاهی به کلیت تاریخ سیاسی-اجتماعی کربلا و رخداد‌های آن و پژوهش پیرامون آن، موجب شد در این مقاله درباره اصالت مقبره حر، یکی از شهدای نام‌دار حادثه بزرگ عاشورا پرسش نماییم.

حر بن یزید (۵۶۱ق) یکی از شهدای بزرگ عاشورای حسینی علیه السلام است که از لشکر عمر بن سعد (۵۶۶ق) جدا گردید و به سپاه حضرت سید الشهداء علیه السلام ملحق شد. روز عاشورا حر، همراه زهیر بن قین (۵۶۱ق) جنگی سخت کرد. هرگاه عرصه بر یکی تنگ می‌شد، دیگری به یاری او می‌شتافت تا او را از معرکه نجات دهد. مدتی این گونه مبارزه کردند، تا این که پیش از ظهر، گروه پیاده نظام، حر را محاصره کردند و به شهادت رساندند.^۱

برخی بر این باورند که قبیله حر که در همان نزدیکی بودند، پس از رفتن ابن سعد، وارد کربلا شدند و جنازه حر را با خود حمل کردند و در مکان فعلی به خاک سپردند. نبش

۱. ابو مخنف، مقتل الحسین، ص ۱۴۷. ابو مخنف، وقعة الطف، ص ۲۳۱ و ۲۳۲. طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۳۶.

همان قبر به وسیله شاه اسماعیل صفوی، سالم بودن جنازه حر و سیره مردم در زیارت حر، مهم‌ترین دلایل کسانی است که مکان فعلی را مقبره حر می‌دانند.^۱ در مقابل، عده ای بر این باورند که حر، مانند دیگر شهدا در حائر حسینی و در قبری دسته جمعی به خاک سپرده شده است.^۲

این مقاله با تکیه بر منابع فریقین و با روش توصیفی-تحلیلی درصدد بررسی اصالت تاریخی بارگاه منسوب به حر بن یزید ریاحی در کربلا است و از آن جا که گزارش انتقال جسد مطهر حر به مکان کنونی، در کتاب‌های متأخران و معاصران رواج یافته است، کتاب‌های متأخرانی که برای اولین بار، این مطلب را بیان کرده‌اند بررسی می‌شود. هم‌چنین در این تحقیق کتاب‌های معاصران نیز بررسی می‌گردند؛ زیرا در برخی از این کتاب‌ها برای اثبات حقانیت مقبره فعلی حر، دلایلی بیان شده است.

در این جا، بیان این نکته لازم است که ریشه برخی از آثار *مقتل الحسین ابومخنف*، *الکامل فی التاریخ و البدایة و النّهایة* است. هم‌چنین، منبع *اعلام الوری و الدر النظیم*، کتاب *الارشاد* شیخ مفید است و یکی از منابع *المهوف* کتاب *مثیر الاحزان* است. با این حال، دلیل این که به برخی از این کتاب‌ها ارجاع داده می‌شود به سبب ارزش تعدد منابع است و تأکید بر این که برخی از مطالب در کتاب‌های فریقین آمده است و اگر طبری از ابومخنف گزارش می‌دهد و یا طبری از *ارشاد*، گویای قوت مطلب است.

نکته دیگری که باید بیان شود آن است که دیدگاه صاحب‌نظران معاصر یا متأخر و یا دیدگاه متقدمان در صورتی قابل قبول است که مطابق با متن کتاب‌های کهن تاریخی و

۱. رک: قمی، *منتهی الامال*، ج ۱، ص ۷۴۷؛ محدثی، *فرهنگ عاشورا*، ص ۱۴۵. نظری منفرد، *قصه کربلا*، ص ۱۴۹ پاورقی. آل بحر العلوم، *تحفة العالم فی شرح خطبة المعالم*، ج ۱، ص ۳۰۷. المقرم، *مقتل الحسین*، ص ۴۱۷. عماد الدین، *زندگانی امام حسین*، ج ۲، ص ۵۲۹.

۲. شیخ مفید، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ج ۲، ص ۱۱۴. طبری، *اعلام الوری باعلام الهدی*، ص ۲۵۱.

متعدد باشد. در بحث تاریخ و برای استخراج مطالب تاریخی، نکته مهم منابعی است که به آنها استناد می‌شود و رأی صاحب نظران در صورتی قابل استناد و معتبر است که به منابع کهن و معتبر مستند باشد و در غیر این صورت اعتباری ندارد. در واقع، صاحب نظر حجیت و اعتبار کلام خود را از تاریخ کهن کسب می‌کند، نه این که تاریخ اعتبار خود را از صاحب نظران به دست آورد.

۲. دیدگاه اول

بسیاری از کتاب‌های متأخر بر این باورند که حر جدای از دیگر شهدا به خاک سپرده شد و بستگانش، وی را به محل فعلی که مشهور به مقبره حر است، بردند و دفن کردند و فاصله آن حدود یک میل تا کربلا است. کسانی که داستان شاه اسماعیل صفوی (۹۳۰هـ.ق) را گزارش کرده‌اند، این سخن را قبول دارند.^۱

براین اساس، مقبره منسوب به حر بن یزید در فاصله نه کیلومتری غرب کربلا واقع شده است و جنازه اش به وسیله بنی تمیم در مکان فعلی به خاک سپرده شده است. در سال ۹۱۴ق، شاه اسماعیل صفوی در فتح بغداد، گنبدی بر مزار او بنا کرد. او اولین کسی بود که به ساختن مرقد حر اهتمام ورزید. هم‌چنین در سال ۱۳۲۵ ق مرقد منسوب به حر بازسازی شد و در سال ۱۳۳۰ق دوباره بازسازی گردید و در سال ۱۹۶۳م برق به ناحیه حر برده شد.^۲

۱. الجزائری، *الانوار النعمانیة*، ج ۳، ص ۲۶۶؛ المامقانی، *تتقیح المقال فی علم الرجال*، ج ۱، ص ۲۶۰؛ القمی، *نفس المهموم*، ص ۲۷۴؛ القمی، *سفینة البحار*، ج ۲، ص ۱۴۷؛ *دایرة المعارف تشیع*، ج ۶، ص ۲۰۵؛ علی دخیل، *رجال حول الحسین*، ص ۱۹۸؛ *السماوی، ابصار العین فی انصار الحسین*، ص ۱۶۸؛ جواد، *فرهنگ عاشورا*، ص ۱۴۵؛ مقدس، *راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق*، ص ۲۳۶.

۲. مقدس، *راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق*، ص ۲۳۶.

برخی معتقدند که اولین بنای آستانه حر حدود سال ۳۷۰ق به فرمان عضد الدوله دیلمی (۳۷۲.ه.ق) ساخته شد و در سال ۹۱۴ به دستور شاه اسماعیل صفوی تجدید بنا گردید.^۱ طرفداران انتقال جسد حر به جایی که امروزه منسوب به مقبره او است، سه دلیل برای خود بیان می‌کنند که در ادامه بررسی می‌شود.

۱-۲. دلیل اول: انتقال جنازه به وسیله بنی تمیم

وقتی عمر بن سعد، کربلا را ترک کرد، بنی تمیم جسد حر را به مکانی که امروزه به نام او است بردند و دفن کردند.^۲ مشهور است این مکان جایی بود که قبیله حر در آنجا سکونت داشتند.^۳ سید جعفر بحر العلوم (د. ۱۳۷۷ ه.ق) به نقل از حمدالله مستوفی در نزهة القلوب در این باره می‌نویسد:

پشت کربلا قبر حر، جد هجدهم من هست.^۴

واضح است که اولاد و نوادگان از قبور اجداد خود، اطلاع بیشتری دارند.^۵ هم‌چنین، مرحوم مقرر در این باره می‌نویسد:

قبیله حر ریاحی، جسد او را به جایی که الان قبر اوست بردند و گفته شده مادرش در کربلا حاضر بود و هنگامی که دید دشمن با اجساد چه می‌کند، حر را به جای فعلی برد و دفن کرد.^۶

۱. جمعی از نویسندگان، ره توشه عتبات عالیات، ص ۳۰۴ به نقل دایرة المعارف تشیع، ج ۶، ص ۲۰۵؛ این مطلب در آدرس مذکور نبود، بلکه در ج ۱، ص ۷۳، از همان کتاب بیان شده است؛ قائدان، عتبات عالیات عراق، ص ۱۴۶.

۲. ر.ک: قمی، منتهی الامال، ج ۱، ص ۷۴۷؛ محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۱۴۵.

۳. نظری منفرد، قصه کربلا، ص ۱۴۹ پاورقی.

۴. آل بحر العلوم، تحفة العالم فی شرح خطبة المعالم، ج ۱، ص ۳۰۷.

۵. عماد الدین، زندگانی امام حسین، ج ۲، ص ۵۲۹.

۶. المقرر، مقتل الحسین، ص ۴۱۷.

بررسی دلیل اول: مهم‌ترین دلیل تاریخی محل دفن حر بن یزید، انتقال جنازه حر به وسیله قومش به مکان فعلی بود، در حالی که این نظر در منابع پیش از قرن ششم یافت نمی‌شود. ممکن است کسی ادعا کند، بنای این آستانه، حدود سال ۳۷۰ق، به دستور عضدالدوله دیلمی ساخته شده است^۱ از این رو مقبره فعلی، ریشه در تاریخ دارد اما باید توجه کنیم که مستند این مدعا، ضعیف و غیر قابل استناد است. کتاب *نزهة القلوب*، نوشته حمدالله بن اتابک مستوفی (د. ۷۵۰ ه.ق)^۲ از کتاب‌هایی است که انتقال جسد حر بن یزید را پذیرفته است، اما از آن جا که تاریخ این کتاب به قرن هشتم باز می‌گردد و در آن برخی از اشتباه‌های تاریخی به عنوان یک حقیقت تاریخی ضبط شده است، نمی‌توان به آن استناد و اعتماد نمود. در نتیجه اثبات این که عضدالدوله دیلمی دستور بازسازی مقبره حر را داده است، نیازمند سندی در منابع معتبر و کهن است.

۲-۲. دلیل دوم: نبش قبر به وسیله شاه اسماعیل

هنگامی که شاه اسماعیل صفوی بغداد را تصرف کرد، برای زیارت قبر حضرت سیدالشهدا علیه السلام به کربلا مشرف شد. او از مردم شنید که به جناب حر طعن می‌زنند. پس نزد قبر حر رفت و نبش قبر کرد و با بدن تازه حر روبه‌رو گردید. جسد حر مانند روزی بود که شهید شده بود و بر پیشانی او، پارچه‌ای بسته شده بود. شاه به قصد تبرک، آن پارچه را باز کرد؛ زیرا در کتاب‌های سیره و تاریخ بیان شده بود روز عاشورا ضربتی به سر حر خورد که خون جاری شد، امام حسین علیه السلام این پارچه را بر سر او بست و او به همان حالت دفن شد. هنگامی که شاه آن پارچه را باز کرد، خون از همان موضع سر بیرون جهید و قبر پر از خون شد. سپس سر را با همان پارچه بستند و خون قطع شد. هنگامی که دوباره باز کردند، خون جاری شد و هر چه تلاش کردند به غیر آن دستمال، خون سرش را بند آورد

۱. *دایرة المعارف تشیع*، ج ۱، ص ۷۳؛ رک جمعی از نویسندگان، *ره توشه عتبات عالیات*، ص ۳۰۴؛ قائدان،

عتبات عالیات عراق، ص ۱۴۶.

۲. رک: آغا بزرگ طهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، ج ۳، ص ۲۸۱.

ممکن نشد. پس مقام حر برای مردم مشخص گردید و شاه دستور داد قبه و بارگاهی بر آن قبر بنا کردند و خادمی بر آن گماردند.^۱

بنابراین، عمل شاه اسماعیل دلیل مهم و معتبری برای اثبات انتقال جنازه حر به مکان فعلی است. با این حال، این دلیل قابل تأمل است؛ زیرا این امر برای اولین بار در سده دوازده هجری به وسیله سید نعمت الله جزائری (د. ۱۱۱۲.ه.ق) در پاسخ به این شبهه که برخی از خواص شیعه و علما به این سبب که حر مقابل امام علیه السلام ایستاد، وی را مرتد فطری قلمداد می‌کنند، زیارت او را ترک نموده اند و حر را لعن می‌کنند، بیان گردیده است. مرحوم جزائری دلایلی علیه این مطلب بیان می‌نماید و سپس داستان بالا را مطرح می‌کند.

جزائری در ابتدا بیان می‌کند که جماعتی از ثقات برای من حدیث کردند، وقتی شاه اسماعیل بر بغداد سیطره پیدا کرد.^۲ در این عبارت به صراحت بیان شده است، او نبش قبر به وسیله شاه اسماعیل را از کتاب و منبعی نقل نمی‌کند و مستند او سخن بعضی از افراد است که نزد وی ثقة بودند. با این حال به این مطلب نمی‌توان اعتماد کرد، زیرا:

۱. سید جزائری در کتاب *الانوار النعمانیة* به برخی منابع بی اعتبار، مانند مقتل ابی مخنف^۳ استناد می‌نماید و داستان مجروح شدن طرمح بن عدی و قصه بیست اسب سوار را نقل می‌کند.^۴

۱. جزائری، *الانوار النعمانیة*، ج ۳، ص ۲۶۶؛ آل بحر العلوم، *تحفة العالم*، ج ۱، ص ۳۰۷ و ۳۰۸؛ المامقانی، *تنقیح المقال*، ج ۱، ص ۲۶۰؛ القمی، *نفس المهموم*، ص ۲۷۴؛ القمی، *سفینه البحار*، ج ۲، ص ۱۴۷؛ سماوی، *ابصار العین*، ص ۱۶۸؛ محدثی، *فرهنگ عاشورا*، ص ۱۴۵؛ *دایرة المعارف تشیع*، ج ۶، ص ۲۰۵.

۲. جزائری، *الانوار النعمانیة*، ج ۳، ص ۲۶۵.

۳. مرحوم شیخ عباس قمی راجع به این مقتل می‌نویسد: «اما مقتلی که در اختیار ماست، نه از ابومخنف است و نه از مورخینی که بتوان بر آن اعتماد نمود، و هر کس بخواهد این حقیقت برایش روشن شود، باید این مقتل را با آنچه طبری از ابومخنف نقل کرده مطابقت دهد تا این امر برایش واضح گردد» رک: القمی، *الکنی و الالقاب*، ج ۱، ص ۱۴۹؛ القمی، *نفس المهموم*، ص ۱۹۵. مفصل این بحث در مقاله‌ای از نویسنده مورد بررسی قرار گرفته است. ر. ک: صالحی حاجی آبادی، پژوهشی در هویت تاریخی مقتل ابی مخنف، *فصلنامه تاریخ نگری و تاریخ نگاری*، زمستان ۱۳۸۸، ش ۴، ص ۵۱-۷۳.

۴. جزائری، *الانوار النعمانیة*، ج ۳، ص ۲۵۳.

۲. جزائری نامی از این ثقافت به میان نمی‌آورد. هر چند این افراد ممکن است برای وی اعتبار داشته باشند، اثبات اعتبار داشتن آنان برای دیگران، قابل اثبات نیست.

۳. جزائری ضمن بیان این داستان تصریح می‌کند که وقتی شاه اسماعیل دستمال را از سر حر باز کرد، قبر پر از خون شد. حال این پرسش مطرح است که بر اساس گزارش معتبر تاریخ، حر در کربلا مجروح شد و بعد از جراحتهای شدید به شهادت رسید. به طور طبیعی با این جراحتهای باید خون بسیاری از بدن وی خارج می‌شد، چگونه پس از گذشت حدود ۸۵۰ سال از حادثه کربلا، وقتی شاه اسماعیل، دستمال را از سر حر باز می‌کند، قبر پر از خون می‌شود؟

این موضوع از آن جهت که خارج از قوانین طبیعی است، به دلایلی علمی نیاز دارد. به هر حال، گزارش نبش قبر به وسیله شاه اسماعیل برای اولین بار در قرن دوازدهم و به وسیله مرحوم جزائری بیان گردیده است. سپس در کتابهای معتبر و غیر معتبر دیگری به عنوان اصلی مسلم پنداشته شده است.

جزائری در قرن دوازدهم بر این باور است که شاه اسماعیل، دستمال را از سر حر باز کرد. در حالی که بزرگان قدما تصریح می‌کند که ابن سعد سر از تن شهدای کربلا جدا کرد و سرها را بین قبایل حاضر در کربلا تقسیم نمود.^۱ جدا کردن سر از تن حر به عنوان سرداری نظامی که از لشکر عمر بن سعد به سپاه امام حسین علیه السلام ملحق شده بود، افتخار و امتیازی به شمار می‌آمد. بنابراین در صورت ترجیح و اعتماد به متون تاریخی، سخن بزرگان متقدم درباره قطع سرهای شهدا، بر نقل مرحوم جزائری در قرن دوازدهم ترجیح دارد. بنابراین، حر سر در بدن نداشت تا شاه اسماعیل دستمال از سر او باز کند.

۱. ر.ک: ابومخنف، *مقتل الحسین*، ص ۲۳۲ و ۲۳۳؛ ابومخنف، *وقعة الطف*، ص ۲۵۹؛ الدینوری، *الاخبار الطوال*، ص ۲۵۹؛ طبری، *تاریخ طبری*، ج ۴، ص ۳۴۹؛ شیخ مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۱۱۳؛ طبرسی، *اعلام الوری*، ص ۲۵۱؛ الخوارزمی، *مقتل الحسین*، ج ۲، ص ۴۵؛ ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۴، ص ۱۱۲؛ ابن نما الحلّی، *مشیر الاحزان*، ص ۸۴؛ ابن طاووس، *المهوف علی قتلی الطفوف*، ص ۱۹۰؛ ابن الاثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۴، ص ۸۰ و ۹۱؛ ابن کثیر، *البدایة و النهایة*، ج ۸، ص ۲۶۳.

۲-۳. دلیل سوم: شهرت و عمل مردم

بر اساس دیدگاه عرف، مدفن حر بن یزید با فاصله ای زیاد از قبر دیگر شهدا قرار دارد. علامه امین در این باره می نویسد:

بنی تمیم حر بن یزید ریاحی را حمل کرده و در حدود یک میل فاصله از حسین - هم آن جا که قبر فعلی اوست - به خاک سپردند، شیخ مفید این مطلب را بیان نکرده [بلکه خلاف آن را بیان کرده] اما اشتهار این مطلب و عمل مردم [برای زیارت حر در مکان فعلی] بدون مستند و دلیل نمی تواند باشد.^۱

برخی دیگر در این باره می نویسند:

در خارج کربلا قبر حر بن یزید است که شیعیان آن را زیارت می کنند.^۲

همچنین، آل بحر العلوم به محدث نوری خرده می گیرد و تصریح می کند: عجب از محدث نوری در لولو و مرجان است که بیان کرده: ظاهر از مقاتل و اخبار زیارات این است که شهدای کربلا در حائر حسینی دفن شده اند، گویا محدث نوری اطلاع ندارند که صاحب نزهة القلوب، حمدالله مستوفی بیان کرده که قبر جدش حر بن یزید خارج از کربلاست.^۳

مرحوم مستوفی در این باره می نویسد:

حر بن یزید که قبرش خارج از کربلاست اول کسی بود که در کربلا شهید

شد.^۴

قبل از بررسی این دلیل باید گفت که مرحوم مستوفی در این جا دارای نظری شاذ و متفاوت است و حر را اولین کسی می داند که جانش را فدای امام حسین کرد اما این

۱. الامین، اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۴۳۹.

۲. آل بحر العلوم، تحفة العالم، ج ۱، (ص ۳۰۷).

۳. همان.

۴. مستوفی قزوینی، نزهة القلوب، ص ۱۳۴.

مطلب برخلاف گزارش مورخان بزرگ است که معتقدند، حر بعد از شهادت عده ای از یاران امام حسین علیه السلام به شهادت رسید.^۱

بررسی دلیل سوم: در پاسخ این دلیل می توان گفت که بحث مرحوم علامه امین از مباحث مهم در فقه و اصول است که با عنوان سیره مطرح می شود. اگر مراد علامه امین از سیره، همان سیره متشرعه باشد، مطلب ایشان نادرست است؛ زیرا «در صورتی سیره متشرعه حجیت دارد که به زمان معصوم متصل شود و تنها در این صورت می توان به این سیره استناد کرد»^۲ اما اگر مراد همان سیره مردم باشد، این سیره در صورتی قابل اعتنا است که نسل بعد از نسل ادامه پیدا کرده باشد تا به قرن اول برسد. حال آن که تا جایی که بررسی شد، موضوع جدا دفن شدن حر، چندین قرن پس از حادثه کربلا در منابع مشاهده می شود و سرایت آن به قرن های قبل و استمرار آن تا نیمه دوم قرن اول، امری ناممکن است.

افزون بر آن، کتاب هایی مانند آثار ابومخنف، (د. ۱۵۷ ه. ق.)، دینوری (د. ۲۸۲ ه. ق.)، طبری (د. ۳۱۰ ه. ق.)، مسعودی (د. ۳۶۴ ه. ق.)، شیخ مفید (د. ۴۱۳ ه. ق.)، طبرسی (د. ۵۴۸ ه. ق.)، ابن شهر آشوب (د. ۵۵۸ ه. ق.) و خوارزمی (د. ۵۶۸ ه. ق.) که پیش از قرن ششم نوشته شده اند، تصریح می کنند پس از رفتن ابن سعد، اهل غاضریه شهدا را به جز حضرت عباس علیه السلام و علی بن حسین علیه السلام در قبری دسته جمعی به خاک سپردند.^۳

۱. ر.ک: ابومخنف، مقتل الحسين، ص ۱۳۸-۱۴۰؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۳۲-۳۳۳؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۰۲؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۲۴۵؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۹۹-۱۰۰؛ خوارزمی، مقتل الحسين، ج ۲، ص ۱۰-۱۲؛ ابن الاثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۷۱.
۲. ر.ک: الخوئی، مصباح الفقاهة، ج ۲، پاورقی ص ۱۱۱.
۳. ر.ک: ابومخنف، مقتل الحسين، ص ۲۰۲؛ ابومخنف، وقعة الطف، ص ۲۶۰؛ دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۶۰؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۴۸؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۶۳؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۴؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۲۵۱؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۱۲؛ خوارزمی، مقتل الحسين، ج ۲، ص ۴۴.

هم‌چنین، مرحوم جزائری در قرن دوازدهم درباره به زیارت قبر حر بن یزید می‌نویسد: شیخ مفید گزارش کرده است: . . . ما شک نداریم اصحاب امام حسین در حائط [حسینی] دفن شده‌اند، به جز حضرت عباس که در محلی که به شهادت رسید، دفن شدند. . . [سپس جزائری در نقد کلام شیخ مفید می‌نویسد] من می‌گویم: شیخ مفید نام حر را ترک کرده؛ زیرا او از شهادت و حائط نیز محیط به او نمی‌باشد، زیرا او در حدود یک فرسخ یا بیشتر از آن، به دور از قبر حسین به خاک سپرده شده است. . . برخی از خواص شیعه و علماء زیارت حر بن یزید را ترک می‌کنند.^۱

۳. دیدگاه دوم و دلایل مخالفان انتقال جنازه

۱. مرحوم محدث نوری در این باره می‌نویسد: شهدا در حائر حسینی دفن شدند، مگر حضرت عباس که در محل شهادت دفن شد اما برای مدفن حربن یزید تا کنون غیر از سیره مستمره شیعه دلیلی و مؤیدی یافت نشده است. بلکه بر عکس، از کتاب‌ها مقاتل و اخبار زیارت ظاهر می‌شود که حر با سایر اصحاب دفن شده است. هر چند شهید اول در کتاب خود می‌نویسد که مستحب است زائر، امام حسین، حضرت عباس و حربن یزید را زیارت کند و این صریح است که در آن عصر قبر حربن یزید در آن‌جا معروف و نزد شهید اول معتبر بوده است. بنابراین برای ما همین مقدار کافی است.^۲
۲. ابو مخنف، (د. ۱۵۷ ه.ق) در این باره می‌نویسد: یک روز بعد از عاشورا، اهل غاضریه از بنی اسد، حسین و اصحابش را

۱. جزائری، الانوار النعمانیة، ج ۳، ص ۲۶۳.

۲. نوری طبرسی، لؤلؤ و مرجان، ص ۱۰۲ و ۱۰۳؛ رک دایرة المعارف اعلمی، ص ۱۱۴، ذیل ماده حر.

دفن کردند.^۱

۳. دینوری (د. ۲۸۲ ه.ق) در این باره می‌نویسد:
بعد از رفتن ابن سعد، اهل غاضریه اجساد [مطهر شهدا] را جمع کرده و به
خاک سپردند.^۲

۴. طبری (د. ۳۱۰ ه.ق)، مطلب ابو مخنف را بیان می‌کند.^۳

۵. مسعودی (د. ۳۶۴ ه.ق) در این باره می‌نویسد:
اهل غاضریه - قومی از عاضر بن بنی اسد - حسین و اصحابش را یک روز
بعد از قتل به خاک سپردند.^۴

۶. شیخ مفید (د. ۴۱۳ ه.ق) در این باره می‌نویسد:
هنگامی که ابن سعد از کربلا خارج شد، قومی از بنی اسد که در غاضریه
ساکن بودند، [به کربلا] نزد [اجساد] حسین و اصحابش آمده، بر آنها نماز
گزارده، و حسین را در جای فعلی که قبر [مطهرش است] دفن کردند، فرزندش
علی بن حسین اصغر، را نزد دو پای [امام] دفن کرده، و برای دفن شهداء از اهل
بیت و اصحابش - که در اطراف آن حضرت مبارزه کرده و به شهادت رسیدند -
حفره ای ایجاد کرده، و تمام آن [اجساد مطهر را] جمع آوری کرده و همه را [در
یک قبر دسته جمعی] با هم به خاک سپردند اما عباس بن علی را در جایی که به
شهادت رسید، در راه غاضریه - قبر فعلی ایشان - به خاک سپردند.^۵

۱. رک ابو مخنف، مقتل الحسين، ص ۲۰۲؛ ابو مخنف، وقعة الطف، ص ۲۶۰.

۲. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۶۰.

۳. طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۴۸.

۴. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، (ص ۶۳).

۵. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۴.

۷. مرحوم طبرسی (د. ۵۴۸ ه.ق) همان مطلب شیخ مفید را بیان می‌کند.^۱
۸. ابن شهر آشوب (د. ۵۵۸ ه.ق) در این باره می‌نویسد:
ابن سعد بر جنازه های سپاه خود نماز گذارد، و آنها را دفن کرد، [و اجساد سید الشهداء و اصحابش را رها کرد] ولی «... اهل غاضریه از بنی اسد، یک روز بعد از شهادت اصحاب امام حسین، اجساد [مطهر] آنها را به خاک سپردند.^۲
۹. خوارزمی (د. ۵۶۸ ه.ق) در این باره می‌نویسد:
عمر بن سعد روز عاشورا را تا فردای آن روز در کربلا ماند، و کشته شده‌های از سپاه خود را جمع آوری کرده، بر آنها نماز گذارده و دفنشان کرد، اما حسین و اهل بیت و اصحابش را [به همان حال در کربلا] رها کرد، اهل غاضریه از بنی اسد، به قصد [کفن و دفن آمدند] و اصحاب حسین را کفن کرده، بر آنها نماز گزارده و آنها را دفن کردند.^۳
۱۰. ابن اثیر (د. ۶۳۰ ه.ق) مطلب ابومخنف و طبری را بیان می‌کند.^۴
۱۱. ابن نما حلی (د. ۶۴۵ ه.ق) در این باره می‌نویسد:
هنگامی که مردم [لشکر ابن سعد] از کربلا خارج شدند، گروهی از بنی اسد که در غاضریه ساکن بودند، [به کربلا آمده] و بر اجساد نبوی نماز گذارده و آنها را در آن خاک پاک دفن کردند.^۵
۱۲. سید بن طاووس (د. ۶۶۴ ه.ق)، شبیه متن ابن نما را بیان می‌کند.^۶

۱. طبرسی، اعلام الوری، ص ۲۵۱.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۱۲.

۳. خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۴۴.

۴. ابن الاثیر، الکامل، ج ۴، ص ۸۰.

۵. ابن نما، مشیر الاحزان، ص ۸۵.

۶. ابن طاووس، الملهوف، ص ۱۹۰.

۱۳. ابن حاتم (د. ۶۶۴ ه. ق) در این باره می‌نویسد:

هنگامی که ابن سعد از کربلا بیرون رفت، قومی از بنی اسد که در غاضریه ساکن بودند، خارج شده و بر حسین و اصحابش نماز گذاشته و حسین را در جای فعلی به خاک سپردند، علی بن حسین اصغر، را نزد دو پای آن حضرت خاک سپاری کرده، و برای شهدای از اهل بیت و اصحابش - کسانی که همراه آن حضرت به شهادت رسیدند - قبری حفر کرده و همه آنها را در یک مکان دفن کردند، اما عباس بن علی را در مکانی که به شهادت رسید - در راه غاضریه - همان قبر فعلی ایشان، خاک کردند.^۱

۱۳. ابن کنیر (د. ۷۷۴ ه. ق)، مطلب طبری را بیان می‌کند.^۲

با تأمل در نوع واژه‌هایی که این بزرگان بیان می‌کنند، مشخص می‌شود که جز جسد امام حسین علیه السلام، حضرت عباس علیه السلام و حضرت علی بن حسین علیه السلام اجساد مطهر دیگر شهدا در یک محل دفن شدند. همان‌گونه که مشاهده شد، در هیچ یک از منابع بالا، درباره انتقال جسد حر بن یزید به مکانی که مشهور به قبر ایشان است، گزارش نمی‌دهند. بنابراین، این امر که بنی تمیم یا مادر حر، جنازه حر را به مکان فعلی انتقال داده اند، فاقد اصالت تاریخی است.

در پایان بیان چند نکته لازم است:

نکته اول: شهید اول (د. ۷۸۶ ه. ق) مطلبی را بیان می‌کند و گویای این است که قبر حر بن یزید، جدای از دیگر قبور است. ایشان در ابتدای *المزار*، بحثی پیرامون زیارات بیان می‌کند و در ادامه می‌نویسند:

و هنگامی که سید الشهداء را زیارت کرد، به زیارت فرزندش علی بن

۱. ابن حاتم، *الدر النظیم*، ص ۵۵۹.

۲. ابن کنیر، *البدایة و النهایة*، ج ۸، ص ۲۶۳.

حسین - که به نظر صحیح تر همان علی اکبر است - برود، سپس دیگر شهداء و عباس و حر بن یزید را زیارت نماید.^۱

ظاهر این عبارت، بیان گر آن است که در زمان شهید اول، حضرت علی بن حسین علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام و حر بن یزید دارای قبوری جداگانه بوده اند. بنابراین، شهید اول نام آنها را جدا بیان می کند که باید زیارت شوند. حال ممکن است، برخی این مطلب را مستند سخن خود قرار دهند که حر بن یزید در جایی جداگانه به خاک سپرده شده است.

در پاسخ باید اشاره کرد، اول آن که از این عبارت مشخص می شود در زمان شهید اول، قبر حبیب بن مظاهر هنوز به وجود نیامده بود و مانند قبر حر بیان نمی شد. دوم این که عبارت شهید اول بیان نمی کند که قبر حر در کجا وجود دارد. بلکه ظاهر عبارت این است که در زمان شهید اول، قبر حر نزدیک دیگر قبور بوده است. هر چند این ظهور قابل خدشه است، اما هیچ دلالتی بر اثبات قبر فعلی حر نمی کند. سوم این که شهید اول براساس فرهنگ زمانه و شهرت مردم، این مطلب را بیان می کند. افزون بر آن، بزرگانی پیش از شهید اول، تصریح می کنند که شهدا در قبری دسته جمعی به خاک سپرده شدند. هر چند شیخ عباس قمی ضمن بیان کلام شهید اول می نویسد:

ظاهر کلام [شهید اول]، بلکه صریح است که در عصر شیخ شهید، قبر حر بن یزید در آن جا معروف و نزد آن شیخ جلیل به صفت اعتبار موصوف بوده و همین قدر در این مقام ما را کافی است.^۲

در نگاه ما، هر چند در زمان شهید اول، قبر حر مشهور بوده است، این مطلب هیچ چیزی را اثبات نمی کند. مگر آن که برخلاف نص کتابهای کهن، منبعی تصریح کند که

۱. شهید اول، الدروس الشرعیة، ج ۲، ص ۱۱.

۲. قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۷۴۸.

پیش از شهید اول، قبری به نام حر شهرت پیدا کرده بود و شهید اول بر زیارت آن سفارش می‌کرد.

نکته دوم: مرحوم کفعمی (د. ۹۰۵.ه.ق) در این باره می‌نویسد:

بعد از دو رکعت نماز زیارت عاشورا، حر بن یزید و هانی بن عروه و مسلم

بن عقیل را زیارت نماید.^۱

از ظاهر عبارت مرحوم کفعمی مشخص می‌شود، حر بن یزید در عصر ایشان دارای قبری جداگانه بوده است، اما همان‌گونه که در ادامه مطلب شهید اول بیان شد، این مطلب قابل استناد نیست و نمی‌تواند با منابع موجود مقابله نماید. افزون بر آن، این مطلب در قرن دهم بیان شده است.

به هر حال، تنها چیزی که از متن عماد الدین طبری، شهید اول و کفعمی به دست می‌آید این است که در عصر آنها، حر بن یزید دارای مقبره ای بوده است که مورد توجه شیعیان قرار داشت. به همین دلیل در میان شهدای کربلا، نام حر و زیارت وی و چند تن دیگر که جداگانه دفن شده بودند، بیان شده است، اما سخن آن بزرگان دلیلی نمی‌شود که حر در جایی دیگر و به دور از شهدای کربلا دفن شده باشد. افزون بر آن که تاریخ کهن و معتبر تصریح دارد، تمام شهدای کربلا به جز امام حسین علیه السلام، حضرت عباس علیه السلام و علی بن حسین علیه السلام در یک مقبره دفن شدند.

۴. نتیجه گیری

با تأمل در دیدگاه و دلایل معتقدان انتقال جنازه حر مشخص می‌شود که دلایل سخن اول مخدوش است و در اثبات مدعای خود نارسا است. افزون بر آن که در میان کتاب‌های کهن، منبع معتبر یا حتی ضعیفی یافت نمی‌شود که گویای انتقال جسد مطهر حر به مکان

۱. الكفعمی، مصباح الكفعمی، ص ۵۰۵.

فعلی باشد. علاوه بر این که برخی از کتاب‌های کهن و معتبر مانند *مقتل ابومخنف*، *تاریخ طبری* و *مسعودی*، *ارشاد شیخ مفید*، *الملهوف ابن طاووس*، *مثیر الاحزان و اعلام الوری* تصریح می‌کنند که شهدای کربلا به وسیله اهل غاضریه در یک مکان به خاک سپرده شدند.

بنابراین با تأمل در گزارش این کتاب‌ها و عدم بیان دلیلی محکم از سوی معتقدان به انتقال جسد مطهر حر و مخدوش بودن سه دلیلی که آنها بیان کرده‌اند، می‌توان به این نتیجه رسید که قبر حر بن یزید در روضه حسینی و همراه دیگر شهدا است. طبق دلایلی که بیان شد مقبره فعلی متعلق به حر بن یزید نیست، اما این مکان به عنوان نماد و صورت قبر آن بزرگ مرد، مورد احترام قرار دارد و احساسات و تعصبات مرتبط با این امر، نباید مانع از پژوهش‌های تاریخی شوند.

منابع

۱. ابن حاتم، یوسف، *الدر النظیم*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۲. ابن شهر آشوب، محمد، *مناقب آل ابی طالب*، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، قم: علامه، بی تا.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، *المهوف علی قتلی الطفوف*، تحقیق فارس تبریزیان، چاپ چهارم، تهران: دار الاسوه، ۱۴۲۵ق.
۴. ابن کثیر القرشی، اسماعیل، *البدایة و النهایة*، تحقیق سید ابراهیم الحویطی، مصر: دار الیقین، ۱۴۲۸ق.
۵. ابن نما الحلّی، جعفر بن محمد، *مثیر الاحزان*، تحقیق مدرسه الامام المهدی، چاپ سوم، قم: مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۶ق.
۶. ابو مخنف، لوط بن یحیی، *مقتل الحسین*، تحقیق الحسن الغفاری، چاپ دوم، قم: علمیه، ۱۳۶۴.
۷. _____، *وقعة الطف*، تحقیق محمد هادی البیوسفی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۷.
۸. آغا بزرگ طهرانی، محمد محسن، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، النجف الاشرف: الغری، ۱۳۵۷ق.
۹. آل بحر العلوم، جعفر، *تحفة العالم فی شرح خطبة المعالم*، چاپ دوم، طهران: المكتبة الصادق، ۱۴۰۱ق.
۱۰. الجزائری، نعمت الله، *الانوار النعمانیة*، تبریز: شرکت چاپ، بی تا.
۱۱. جمعی از نویسندگان، *ره توشه عتبات عالیات*، چاپ چهارم، تهران: مشعر، ۱۳۸۷.
۱۲. الخوئی، ابوالقاسم، *مصباح الفقاهة*، قم: الداوری، بی تا.
۱۳. *دایرة المعارف تشیع*، تهران: نشر محبی، ۱۳۷۶.
۱۴. الدینوری، احمد بن داود، *الاخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۶۰م.
۱۵. الخوارزمی، الموفق بن احمد، *مقتل الحسین*، تحقیق محمد السماوی، قم: انوار الهدی، ۱۴۱۸ق.
۱۶. السماوی، محمد، *ابصار العین فی انصار الحسین*، بی جا: حیدریه، ۱۴۲۳ق.
۱۷. شهید اول، محمد بن مکی، *الدروس الشرعیة*، تحقیق مؤسسه النشر الاسلامی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
۱۸. شیخ مفید، محمد بن محمد، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم: المؤتمر العالمي لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۱۹. صالحی حاجی آبادی، ابراهیم، *پژوهشی در هویت تاریخی مقتل ابی مخنف*، فصلنامه *تاریخ نگری و تاریخ نگاری*، زمستان ۱۳۸۸، ش ۴.

۲۰. الطبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، چاپ سوم، بی جا: دار الکتب الاسلامیه، ۱۹۷۰م.
۲۱. الطبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری - تاریخ الرسل و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا: دارالمعارف، ۱۹۹۸م.
۲۲. علی دخیل، علی محمد، رجال حول الحسین، بیروت: دار المرتضی، ۱۴۲۲ق.
۲۳. عماد الدین، حسین اصفهانی، زندگانی امام حسین، تهران: اسوه، بی تا.
۲۴. قائدان، اصغر، عتبات عالیات عراق، چاپ پنجم، تهران: مشعر، ۱۳۸۸.
۲۵. القمی، شیخ عباس، سفینه البحار، بی جا، دار الاسوة، ۱۴۱۴ق.
۲۶. ———، منتهی الامال، چاپ دهم، قم: هجرت، ۱۳۷۶.
۲۷. ———، نفس المهموم، تحقیق رضا استادی، قم: بصیرتی، ۱۴۰۵ق.
۲۸. الکفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح الکفعمی، بی جا: منشورات الرضی و زاهدی، بی تا.
۲۹. المامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، النجف الاشرف: المطبعة الحیدریه، ۱۳۵۲ق.
۳۰. محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، چاپ چهاردهم، قم: نشر معروف، ۱۳۷۸.
۳۱. مستوفی قزوینی، حمد الله، نزهة القلوب، بی جا: بخت میرزا مهدی شیرازی، ۱۳۱۱ق.
۳۲. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب، بیروت: دار الاندلس، بی تا.
۳۳. مقدس، احسان، راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق، تهران: مشعر، ۱۳۸۷.
۳۴. المقرم، عبدالرزاق، مقتل الحسین، چاپ پنجم، قم: بصیرتی، ۱۳۹۴ق.
۳۵. نظری منفرد، علی، قصه کربلا، چاپ دوم، قم: سرور، ۱۳۷۶.
۳۶. نوری طبرسی، حسین، لولو و مرجان، بی جا: انتشارات نور، بی تا.

